

کودک استثنائی کیست؟

کودک استثنائی کیست؟

کودک استثنائی در درجه اول یک کودک است و بعد کودکی است با خصوصیات، تفاوتها و ویژگیهای استثنائی نسبت به همه کودکان دیگر. این ویژگیها و تفاوتهاست که مرزبان استثنائی با آن سروکار دارند و این تفاوتها هستند که پدران و مادران باید خود را با آن سازگار و هماهنگ نمایند. تفاوتهایی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ما نیز توجه به آنها تصریح شده است. در حقیقت همه افراد انسانی از نقطه نظر خصوصیات مختلف جسمانی (بیولوژیکی) ذهنی، روانی و عاطفی سازگاری اجتماعی و غیره یکسان نبوده و نسبت به هم دیگر دارای تفاوتهای خاصی میباشند. در واقع نه تنها هر فرد نسبت به افراد دیگر از ابعاد مختلف جسمانی و ذهنی دارای تفاوتهای ویژه‌ای است بلکه بین



توانایی‌ها و استعداد‌های مختلف (از قبیل استعداد کلامی، فنی، و هنری و...) هر فرد نیز تفاوت‌هایی مشهود و موجود است. بدین ترتیب هر فرد نسبت به افراد دیگر استثنائی است. و کلمه "استثنائی" بطور اعم و به معنای دقیق علمی خود نمیتواند فقط به گروه‌های خاصی از افراد جامعه اطلاق شود. بنابراین همانگونه که در بالا اشاره شد کلمه استثنائی نمایانگر انواع ویژگی‌ها و تفاوت‌ها بوده و هر کودک و دانش‌آموز نیز نسبت به کودکان و دانش‌آموزان دیگر میتواند، از نظر جسمانی (پزشکی)، روانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... استثنائی باشد. آنچه که ما اصطلاحاً "کودک استثنائی" می‌گوئیم غالباً "بدین معناست که کودک از نظر هوشی و جسمی و روانی و اجتماعی بمیزان قابل توجهی نسبت به دیگر همسالان خود متفاوت میباشد. بطوریکه نمیتواند بدین‌حوی مطلوب حداکثر استفاده را از برنامه‌های آموزشی و پرورش عادی ببرد و ناگزیر نیازمند به توجه خاص و آموزش و خدمات فوق‌العاده‌ای میباشد. (۱) بنابراین از نظر آموزشی کودکانی استثنائی است که برای تأمین نیازهای تربیتی و آموزشی او لازم است تغییراتی در شیوه‌های تربیتی و آموزشی خانواده و در برنامه‌های مدارس عادی داده شود. در اینجا این نکته قابل ذکر است که هر کودکی که از نظرهای مختلف استثنائی است لزوماً از نظر آموزشی استثنائی نمیشد.

بی تردید همه اولیاء و معلمان در چگونگی برخورد صحیح آموزشی با دانش‌آموزان نیاز به راهنمایی و کمک دارند. کلاسهای ۴-۶ نفره و

یا گاه بیشتر، بیانگر این حقیقت است که همه دانش‌آموزان و لوائیکه در یک کلاس درس بوده و کم و بیش از نظر سنی مشابه باشند نمیتوانند از جنبه‌های مختلف ذهنی، عاطفی و استعداد‌های مختلف کلامی، ریاضی، فنی و هنری و... مساوی و مشابه باشند. هر قدر تعداد دانش‌آموزان در یک کلاس افزون باشد این قبیل تفاوت‌ها نیز بیشتر و متنوع‌تر خواهد بود. از تفاوت طبیعی بین یک دانش‌آموز با سایر دانش‌آموزان کلاس در زمینه‌های فوق‌الذکر که بگذریم، توجه به تفاوت‌های درونی یک دانش‌آموز در زمینه علایق و استعداد‌های مختلف او در یادگیری میتواند در روش‌های آموزشی معلم بسیار موثر و مفید واقع گردد. شناخت دقیق و توجه کامل به تفاوت‌های فردی در دانش‌آموزان استثنائی (تفاوت با دیگران و بویژه تفاوت میان توانائی‌ها و استعداد‌های مختلف درونی یک دانش‌آموز استثنائی) در امر تعلیم و تربیت استثنائی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

الف - پذیرش واقعیت‌ها

بانوجه به آمار دانش‌آموزان استثنائی (۱۵-۱۰ درصد دانش‌آموزان سنین مدرسه رو) تقریباً "از هر ۶ یا ۷ نفر یک نفر بنحوی از نظر آموزش - استثنائی بوده و نیاز به برنامه آموزشی ویژه دارد. تعداد کل دانش‌آموزانیکه رسماً در برنامه‌های آموزش استثنائی میهن اسلامی مانبت نام نموده‌اند بیانگر این واقعیت است که در حال حاضر کمتر از یک درصد از دانش‌آموزان واجب‌التعلیم استثنائی از برنامه آموزشی لازم (استثنائی) برخوردار میگردند. بقیه یا بنحوی در مدارس و کلاسهای

پرجمعیت (عمدتاً دوره ابتدائی) باهمه مشکلات و نارسائی‌ها و برچسب خوردنهای ناروا دست و پایی زنند و با تحمل فشارها، تلاش در سازگاری (بیشتر با حمایت یا فشار اولیاء) می نمایند و با یکی خارج از نظام آموزش و پرورش در خانه و یا محلی مشغول، و با اوقات خود را در انتظار و بی برنامه‌گی سپری می‌نمایند. با اذعان بدین مراتب است که وظیفه و رسالت مدارس سائى کودکان استثنائى بیشتر میشود.

ب- شناخت هر چه زودتر کودکان استثنائى

کودكى كه فقط ناشناخته است، و یا نابیناست باید در اولین فرصت ممکن شناسائی شده و اقدامات لازم در زمینه درمان و آموزش او مبذول گردد. اگر چنانچه اولیاء و یارمربیان و مسئولان دبیر فکر شناخت و درمان و آموزش او بیفتند (مثلاً در ۷ سالگی) کودک نابینا و ناشنوا به علت این غفلت و مسامحه و عدم دریافت و برخورداری از تجارب لازم اجتماعى، فرهنگى و... معمولاً دچار بکنوع عقب ماندگى ذهنى نیز خواهد شد.

آرى عقب ماندگى فرهنگى، که در این صورت اولیاء و مسئولان اگرچه در نابینائی یا ناشنوائى کودک مستقیماً مسئول نبوده باشند اما در عقب ماندگى ذهنى کودک که عمدتاً حاصلی است از فراموشى و رهاى و جداسازى او از تجارب فرهنگى مسئول و مقصرد.

راستى پدر و مادری که تا سن هفت سالگی اولین وساده ترین تجارب و شیوه‌ها و مهارت‌های زبان و مکالمه و برقراری ارتباط را به کودک ناشنواى خود منتقل نکرده باشند، این کودک

را در اولین روزهای آغاز مدرسه که با دنیای زبان اشاره و شیوه‌های لب خوانی و هنر تلفظ کلمات روبرو میگردد چگونه میبیند؟ پاسخ همان عقب ماندگى فرهنگى است و بس که در اینجا مسئول اولیاء هستند و آنانکه مسئولیت آگاهی بخشیدن و آموزش دادن این قبیل اولیاء را بر دوش داشته و یا باید داشته باشند. در واقع اگر از نظر قوانین و مقررات موجود تمامی کودکانیکه به سن ۷ سالگی پا می نهند واجب التعلیم میگردد (اگر نگویم تعلیم و تربیت آنها اجبارى است) و اولیاء امور که مسئولیت تهیه امکانات و تسهیلات آموزشى و تربیت معلمان متخصص و متعهد مربوطه را قانوناً عهده دار هستند، باید کودکان استثنائى را از بدو تولد بدلائل عدیده از جمله آنچه که چند سطر پیش اشاره شد واجب التعلیم^(۳) به حساب آورند. و امکانات و تسهیلات لازم را در این زمینه بویژه در برنامه آموزشى اولیاء فراهم نمایند. در اینصورت است که کودک ناشنوا بهنگام ورود به مدرسه از آشنائى لازم در صحبت، لب خوانى و زبان اشاره (آنچه که استاندارد و رسمى و متداول است) برخوردار بوده به سهولت میتواند همگام سایر همسالان شنوای خود در امر یادگیرى و تعلیم و تربیت پیشرفت نماید.

ج- تشخیص دقیق و صحیح

آزمایشات منظم و مرتب و دقیق پزشکی و روانپزشکی از همه دانش آموزان مدارس بویژه دانش آموزان استثنائى بسیار ضرورى است. تشکیل یک پرونده کامل و دقیق پزشکی کمک موثرى در مراقبت و توجه بوضعیت خاص

جسمانی کودک و یا انجام و پیگیری معالجات و درمان احتمالی وی میباشد.

بدیهی است این امر نمیتواند با اعزام یک پزشک (درسال، در ماه و یا حتی در هفته) به یک مدرسه پرجمعیت و آزمایش همگانی چندان مفید واقع شود. آزمایشات روانی و شناخت و تشخیص ضعف‌ها و توانائی‌های مختلف ذهنی، کلامی، مکانیکی، فنی و حرفه‌ای، هنری، سنجش علایق و استعداد‌های مختلف و... از اولین قدم‌های اساسی در برنامه ریزی‌های آموزشی و بویژه آموزش انفرادی جهت کودک یا کودکان استثنائی است. اولیاء کودک میتوانند در سنین اولیه کودک حتی قبل از آغاز مدرسه در اولین فرصت ممکن با راهنمایی مشاوران متخصص اقدامات لازم را در تشکیل پرونده پزشکی و روانی کودک انجام دهند. اولیاء مدرسه و معلم و یا معلمین کودک نیز قطعاً با تشکیل و دارا بودن چنین پرونده‌ای که حاوی اطلاعات دقیق پزشکی، روانی و ذهنی و عاطفی و سنجش استعداد‌های مختلف کودک بوده باشد بهتر میتوانند در پیشرفت تحصیلی و رفتاری کودک موثر واقع شوند.

د - اظهارات صحیح و صادقانه در مورد کودک استثنائی

بیان حقایق و ارائه اطلاعات صحیح و صادقانه به پدر و مادر کودک استثنائی براساس آخرین دانش و دست آوردهای علمی و تجربی در مورد شرایط خاص ذهنی یا جسمی فرزندشان در نهایت موجب رضایت و آسایش خاطر آنان خواهد بود.

گهگاه ما در ویاپدري با کودک خود که بروشنی

دارای عقب ماندگی ذهنی است مراجعه مینمایند وقتی بآنها گفته میشود که چرا تاکنون بی جهت کودک را بحال انتظار در خانه نگهداشته‌اید و اکنون کودک شما ۱۲ سال سن دارد و میبایست سالها قبل به شرایط خاص ذهنی ۳ او پی برده باشید.

معمولاً "در پاسخ میگویند ما خود نیز قبلاً" حدس میزدیم زیرا که او مثل بچه‌های همسن و سال خود" به راه نیفتاد"، "حرف زدن را زمانیکه انتظار میرفت شروع نکرد و رابدکتر بردیم و دکتر گفت نگران مباشید. چیزی نیست صبر کنید تا چند سال دیگر مثل بچه‌های دیگر میشود و... اظهار این گونه سخن‌ها و ارائه این قبیل اطلاعات سخت نارواست. متأسفانه در بعضی از مواقع متخصصین ما از قبیل پزشکان عمومی و پزشکان اطفال نیز اطلاعات صحیحی از وضع و شرایط ذهنی (عقب ماندگی) کودک به والدین او نمیدهند. و این غالباً "یا به دلیل عدم آگاهی آنان به واقعیت و چگونگی عقب ماندگی ذهنی است و یا عدم توانائی آنان در برخورد با حقایق و عواطف و احساسات ویژه پدر و مادر کودک است.

در بعضی مواقع مربیان و معلمان و مسئولان آموزش و پرورش نیز از صراحت و صداقت لازم در برخورد با پدران و مادران کودکان استثنائی برخوردار نبوده و با وعده و وعیدهای ناصحیح سعی در رفع رجوع مینمایند مثلاً به مادر و یا پدر کودک عقب مانده میگویند اجازه بدهید یکی دو سال فرزندان به کلاس استثنائی (عقب مانده) بروند و بعد به کلاس عادی منتقل میشود!

باید توجه داشت که در حال حاضر ما

هیچگونه روشی که بتوانیم بطریق پزشکی، روانپزشکی، روانشناسی و یا آموزشی عقب ماندگی ذهنی را بر طرف نمائیم در اختیار نداریم و نمیتوانیم کودکی که دارای عقب ماندگی ذهنی است بصورت فردی کاملاً "عادی درآوریم". اما در هر حال ما میتوانیم با تدارک و تسهیلات آموزشی و اتخاذ روشهای ویژه با آموزش و پرورش این قبیل کودکان و دانش آموزان، بآنها کمک کنیم تا بتوانند با توجه به محدودیت های توانائی ذهنی خود از نظر اجتماعی و شغلی مستقل باشند. ولذا فقط این حقیقت را میتوان به اولیاء آنها وعده داد و بس. در همه حال اگر همینقدر که وعده میدهم بخوبی در تحقق آن موفق شویم موجبات خشنودی و حمایت اولیاء مردم را فراهم آورده ایم.

هـ- آموزش مربیان

قبل از همه معلمان و مدیران مادر مدارس عادی احتیاج به کسب اطلاعات و دانش لازم در زمینه کودکان استثنائی و ویژگی های آنان دارند. همانطوریکه قبلاً اشاره شد در حال حاضر تعداد قابل توجهی از کودکان و دانش آموزان واجب التعلیم استثنائی در مدارس و کلاسهای عادی بویژه در دوره ابتدائی مشغول هستند. اگر معلمان مدارس عادی مازینش لازم در زمینه کودکان استثنائی برخوردار نباشند هرگز نمیتوانند در تشخیص این حقیقت که جای یکی از شاگردان آنها کلاس استثنائی است و باینکه دیگری میتواند با توجه خاص در همین کلاس عادی ادامه تحصیل بدهد، موفق باشند. ناگزیر در غالب موارد به

آموزش یکسان و عمومی پرداخته و خدای ناکرده دانش آموز کنندهنی را بعلت عدم درک صحیح مطالب و غلط خواندن و غلط نوشتن تنبیه نموده و با برجسب های مختلف او را بدیگران معرفی و یا از کلاس اخراج مینماید، و زمانی دانش آموزی که دچار ضعف بینائی بوده و بواسطه فقر فرهنگی از مراجعه به چشم پزشک، و دریافت عینک، مناسب محروم مانده و در سر کلاس دچار سردرد و سرگیجی گشته و از مطالب روی تخته سیاه بسختی چیزی درک نموده و از خواندن صحیح کلمات نیز عاجز است دچار بی مهری معلمی که هرگز چنین احتمالی رانداده و برای او عذر و بهانه ای نمی شناسد (و این ناشی از ضعف بینش استثنائی معلمان است) . واقع میگردد. لذا حداقل یک دوره برنامه آموزش و پرورش استثنائی جهت کلیه معلمان مدارس بویژه در سطوح آمادگی و ابتدائی کاملاً " ضروری است. این خود کمک موثری است در پیشرفت آموزش و پرورش کودکان و دانش آموزان استثنائی. تربیت معلمان ویژه کودکان و دانش آموزان استثنائی امری است اجتناب ناپذیر. با توجه به وسعت برنامه های آموزش استثنائی و تنوع دانش آموزان استثنائی و ضرورت مطالعه و انجام تحقیقات و پژوهشهای لازم در پیشبرد شیوه های تشخیص روشها و برنامه های آموزش استثنائی، حداقل دوره چهار ساله (لیسانس) جهت تربیت معلمان استثنائی ضروری است.

و- آموزش اولیاء کودکان استثنائی

نکته بسیار مهمی که در برنامه ها و روشهای آموزش و پرورش کودکان استثنائی توجه بدان ضرورت فوق العادای دارد، (آغاز سریع و استمرار

بدیهی است همانگونه که قبلاً اشاره شد اگرچنانچه تربیت و آموزش کودکان استثنائی بویژه کودکان ناشنوا و کودکان نابینا، هرچه زودتر (بعد از تولد) در خانه و با اسلوب و روشهای صحیح تربیتی و آموزشی آغاز گردد پایه های اولیه استمرار آموزشی نهاده شده و از هرگونه آموزشهای نادرست که معلم رالاجرم موظف مینماید که بخشی از وقت خود را صرف تصحیح آن آموخته های نادرست بنماید پرهیز میشود. طبیعی است برای شروع برنامه های تربیتی و آموزشی صحیح، در خانه و استمرار آن در مدرسه، اولیاء کودکان استثنائی میبایست از امکانات آموزشی، مشاوره و راهنمایی وزارت آموزش و پرورش بسهولت بهره مند گردند. زیرا که بطور معمول رفتار تربیتی پدر و مادر

در رابطه با کودک خود بر مبنای تجربه و یا تصویری است که از شیوه تربیتی کودکان عادی دارند زمانیکه که کودک به گونه ای نیست که در چهار چوب روشهای تربیتی معمول باشد (کودک استثنائی) پدر و مادر نیاز به راهنمایی و کمک دارند. رابطه پدر و مادر در خانواده با کودک بسیار مهم میباشد. بویژه زمانیکه کودک خانواده با دیگر کودکان همسال خود از بعضی نظرها متفاوت و استثنائی میباشد (کودک استثنائی به رابطه استثنائی با خانواده خود نیاز دارد) پدر و مادر کودک استثنائی با زخوردها و نگرشها و نیازهای استثنائی در رابطه با کودک خود خواهند داشت.

برنامه های آموزشی) جهت هرچه بیشتر شکوف نمودن استعدادها، پایداری یادگیریها، به هدر نرفتن نیروها و سرمایه های معنوی است. منظور از استمرار برنامه های آموزشی بیشتر وظیفه و نقش اولیاء در آشنائی با برنامه های آموزشی کودک در مدرسه و هماهنگی و همکاری کامل مربیان و اولیاء در اجرای برنامه ها و پیشرفت تحصیلی و رفتاری کودک میباشد. در واقع هرگز فعالیت های آموزشی مدرسه و یادگیری های کودک بدون توجه و همکاری و کمک و پیگیری اولیاء کودک در خانه نمیتواند از اهمیت و اعتبار خاصی که باید داشته باشد برخوردار گردد. عبارت دیگر مثلث آموزشی مدرسه (معلم)، کودک و اولیاء بیانگر اتحاد مقدس و ضرورت استحکام و استمرار صحیح و طبیعی آموزش و یادگیری است.



باید اتخاذ نمایند تا سازگاری و روابط هرچه مفید و موثر و سازنده بین کودک استثنائی و تمامی اعضای خانواده برقرار گردد. نکته مهم و قابل تذکر دیگر توجه خاص به وضعیت روحی و عاطفی والدین است. بویژه هنگامی که آنان صاحب فرزندی استثنائی میشوند و از این و آن میشوند که فرزند آنها هرگز قادر به راه رفتن، دیدن، یاشنیدن و... نخواهد بود. در این شرایط این قبیل والدین سخت نیاز به مشاورت و راهنمایی مسئولان متعهد و دلسوز و دوستان آگاه، آشنا و فهیم دارند.

در هر حال طرح و اجرای یک برنامه آموزشی و تجربی جهت والدین کودکان استثنائی ضرورتی اجتناب ناپذیر بوده و مقدمه لازمی برای آغاز آموزش رسمی در مدرسه است.

درواقع با در نظر گرفتن اهمیت و لزوم مشاورت و هدایت و راهنمایی دانش آموزان استثنائی پس از فارغ التحصیلی یاپایان برنامه آموزشی آنان در مدارس و مراکز استثنائی در زمینه های

رابطه کودک و

پدر و مادر بسیار حساس میباشد بنحوی که اگر امری بر کودک تاثیر بگذارد بر پدر و مادر کودک تاثیر خواهد گذاشت و بالعکس. این رابطه ظریف و متقابل در ارتباط با کودک استثنائی همچون کودک نابینا از حساسیت و ظرافت خاصی برخوردار است. در ایفای صحیح این مسئولیت ها بیش از همه والدین باید اطلاعات و شناخت لازم و جامعی را در مورد کودک استثنائی خود داشته باشند. والدین باید بدانند چه رفتاری با کودک استثنائی خود در جهت تربیت و تعلیم او داشته باشند. چگونه با کودک استثنائی خود ارتباط صحیح و موثر و مفید برقرار نموده و به کودک نیز در پذیرش مسئولیت های فردی و اجتماعی و نحوه برقراری ارتباط با دیگران کمک نمایند. والدین در تشریح وضعیت استثنائی کودک خود به دیگر برادران و خواهران کودک که مانند او استثنائی نیستند چه روشهایی را



کلیه افراد استثنائی از تولد تا مرگ در سراسر کشور را عهده‌دار بوده و ضمن آموزش و ارشاد خانواده‌های ذریب در تعلیم و تربیت کودک استثنائی خود آنان را نیز از بدو تولد کودک استثنائی از نگرانی و سرگردانی برهانند ضرورتی است اجتناب ناپذیر و گامی است در جهت تحقق بخشیدن به آرمانهای مقدس قانون اساسی جمهوری اسلامی.

بقیه از صفحه ۳۱

برعکس کودکیکه در خانه از تربیت صحیح برخوردار می‌باشد بهنگام ورود به مدرسه نه تنها وحشت و هراسی از معلم و محیط مدرسه ندارد بلکه با خوش‌بینی و نگرش مثبتی کداری است بدور از دغدغه و اضطراب به رشد و شکوفائی استعدادهای خود در سایه رهبری‌ها و دلسوزیهای اولیاء و مربیان می‌پردازد.

آنچه که از تحقیقات زیست‌شناسان و روان‌شناسان و علمای تعلیم و تربیت استنباط میگردد این است که تا زمانی که کودک از لحاظ جسمی و روانی دارای آمادگی لازم جهت فراگیری مطلبی نباشد اصرار بر تعلیم و تربیت او نه تنها پیشرفتی را موجب نمی‌شود بلکه سبب فشارها و ناراحتی‌های جسمی و روانی کودک می‌شود. بر اولیاء است که با مطالعه کتابهای تعلیم و تربیت و روان‌شناسی و بالاخص استفاده از گفتار پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار در تائید سلامت روح و شخصیت کودک بکوشند تا بتوانند از بروز بسیاری از نگرانیها و دلواپسی‌های بعدی خود و فرزندشان پیشگیری کنند و زمینه را برای بهره‌گیری کامل کودک از تعلیم و تربیت اسلامی و انسانی فراهم آورند. منوچهر وکیلان

مختلف حرفه و شغل و تشکیل خانواده و زندگی مستقل و مسئولانه و... بالنتیجه بی تناسب نخواهد بود اگر برای کودکان و دانش‌آموزان استثنائی از اولین مراحل بروز آثار استثنائی بودن تا مرگ برنامه‌های جامع آموزشی و پرورشی پیش بینی، طرح و اجرا گردد.

بدیهی است این برنامه با وسعت و جامعیت خاص شامل آموزش والدین و تمامی جنبه‌های آموزش و راهنمایی و مشاورت تحصیلی، شغلی و حرفه‌ای و مراقبت‌های پزشکی و درمانی و... خواهد بود. (۴)

(۱) کودکان دیرآموز، عقب مانده ذهنی (آموزش پذیر و تربیت پذیر) عقب ماندگان، نیمه بینا و نابینا، نیمه شنوا و ناشنوا، معلولین بدنی، سازش نایافته‌گان روانی - اجتماعی (ناسازگار) کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری، کودکان مبتلا به اختلالات گویائی و نیز کودکان تیزهوش در طیف وسیع کودکان استثنائی قرار دارند.

(۲) - تعلیم و آموزش صحیح نحوه برقراری ارتباط در رابطه با کودکان ناشنوا و آموزش صحیح حرکت و جهت یابی به کودکان نابینا و...

(۳) - عقب ماندگی ذهنی یک مرض یا بیماری نیست بلکه شرایط خاص ذهنی است.

(۴) - در این رابطه طرح و تشکیل سازمانی مستقل تحت عنوانی چون "سازمان آموزش و پرورش و هدایت افراد استثنائی" که مسئولیت شناسائی، آموزش و پرورش، ارشاد و هدایت